پرسش رهبر انقلاب از شاعر پاکستانی

احمد شهریار از شـــاعران پاکستانی که در دیدار شـــاعران با رهبر انقلاب حاضر بود دو کتاب ترجمه شـــده خود به زبان اردو را تقدیم معظم له کرد. او درباره این دیدار به فارس گفت: شب گذشته و طبق سنت هرساله به دیدار رهبر جمهوری اسلامی ایران رفتیم. پیش از آغاز رسمی مراســـم شعرخوانی و پس از اقامه نماز بنده دو کتاب خودم را به ایشان تقدیم کردم.

او ادامه داد: این دو کتـــاب آثاری بودند که بنده به زبـــان اردو ترجمه کرده بودم و به تازگی منتشر شـــده بود،کتاب اول رمان «من او» رضا امیرخانی و کتاب دوم «مجموعه داستان کوتاه زنان ایرانی» بود که عرض کردم دو ماهی است روانه بازار در پاکستان شده و بلافاصله به چاپ دوم رسیده است.

این شاعر تاکید کرد: پس از توضیحات بنده رهبر انقلاب درباره میزان تیراژ کتاب در پاکستان جویا شدند که عرض کردم این آثار در تیراژ هزار نسخه منتشر شده است. ایشان نیز فرمودند: خیلی خوب.

«هـر که بـا گمنام بودن سـر کنـد نام‌آور اسـت» می‌رسـد صدای آقـا را می‌شـنوم کـه می‌گویـد: مثـل شـهید ابراهیـم هـادی کـه می‌خواسـت گمنام باشـد و امروز در همه آفاق فرهنگی نامش پیچیده است.

امیر تیمـوری از تهران و رضا شـریفی از فارس غـزل می‌خوانند و رسول پیره شـعر سـپید. سـپس عاطفه جعفری از افغانستان غزلی را به شهدای فاطمیون تقدیم می‌کند:

کوچه‌هامان پر از سیاهی بود شهر را از عزا در آوردند
چشم‌های ستاره‌ها لرزید ماه را سمت دیگر آوردند

واکنش حضرت آقا به این شـعر با این جمله اسـت: جا دارد که به شـهدای مظلوم فاطمیـون پرداخته شـود. در ادامـه مهدیه انتظاریـان بـا ردیـف «کـوه» غزلـی می‌خوانـد و فاطمـه عارف‌نژاد بـه مـردم مظلـوم یمـن سـروده‌اش را هدیـه می‌کنـد. مثـل سـال‌های گذشته شـعرآذری‌زبان جلسه را سـید ضیا موسوی از زنجـان می‌خوانـد و علی چاوشـی از تهـران به همسـرش غزل عاشقانه‌ای تقدیم می‌کند.

این غزل از نظر حضرت آقا خوب اسـت و خوب‌ترش این است که شـاعر به همسـرش این شـعر را تقدیم کرده. در ادامه آقا در جمله‌ای دعای اولاد کثیر برای شاعر آرزو می‌کند.

در جمـع شـاعران امشـب فرزنـد شـهید والامقـام علیپـور هـم نشسته اسـت و غزلی تقدیم به پدر شـهیدش می‌خواند. غزلی که علی به قول آقا در آن حق پدر را ادا کرده بود:

دل خواست از تو بگوید تا بلکه سامان بگیرد
اما کجا نخل بی‌سر دیده شده جان بگیرد

پس از او حسین دهلوی از تهران غزلی می‌خواند با این مطلع:

هر چند این که سخت شکستی دل من است
غمگین مشو که شیشه برای شکستن است

شـعرخوانی‌ها رو بـه اتمام اسـت و دو نفـر دیگر از شـاعران لب به غزل باز می‌کنند. یکی فرید روشـن‌دل در سـتایش شـهادت و دیگـری ناصـر فیـض بـا شـعر طنـز. در آخـر هـادی فردوسـی نامـش را از دهـان مبـارك آقـا می‌شـنود کـه شـعر بخوانـد و او نیـز سـلام گـرم همولایتی‌هایـش را ابـلاغ کـرده و چنـد رباعـی تقدیم می‌کند.

پـس از شـعرخوانی‌ها حضـرت آقـا در چند دقیقـه حـرف دلی با شـاعران در میـان می‌گذارنـد. این‌کـه بیـان معجـزه‌ای اسـت از خورشید بزرگ‌تر و شعر یکی از معجزات آفرینش است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از شاعران و استادان زبان و ادب پارسی:

راجع به زبان فارسی نگرانم

در شـب ولادت بـا سـعادت کریـم اهل‌بیـت، حضـرت امـام حسـن مجتبـی (علیه‌السـلام) جمعـی از اسـتادان زبـان و ادب پارسـی و شـاعران جـوان و پیشکسـوت بـا حضـرت آیت‌ا... خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در این دیدار، حرکت و پیشـرفت جریان شعر انقـلاب را امیدوارکننـده دانسـتند و گفتنـد: البتـه جریان‌های شعری دیگری نیز وجود دارد اما این جریان شعر انقلاب است کـه از لحـاظ مضمـون، نـوآوری در مضامیـن و صیقل‌یافتگـی الفاظ پیشرفت بسیار چشمگیری داشته است.

رهبـر انقـلاب اسـلامی، بیـان و پدیـده شـعر را از معجـزات آفرینـش خواندنـد و افزودنـد: شـعر از جنبـه جمـال و زیبایـی برخـوردار اسـت و ایـن امتیـاز، شـعر را بـه یك رسـانه اثرگـذار و مسـؤولیت‌آور تبدیل می‌کند که بایـد این تعهـد را در خدمت جریان روشنگری و هدایت قرار داد.

ایشـان با اشـاره به یـك مغالطه ناشـیانه که شـعر را به «شـعر هنری» و «شـعر متعهد» تقسـیم می‌کند و می‌کوشـد با شـعار قلمداد کردن شعر متعهد، از آن ارزش‌زدایی کند، خاطرنشان کردند: اشـعار بزرگان و قله‌های شعر فارسـی همچون حافظ، سـعدی، فردوسـی و مولـوی آکنـده از اخـلاق، تعلیـم، تعهـد، حکمـت، عرفـان، معنویـت و اسـلام نـاب اسـت، بنابرایـن تفکیـك جنبـه هنـری و زیباشـناختی شـعر از جنبه رسـالت و تعهـد آن، مغالطـه‌ای واضـح و ناشـی از غفلـت یـا کم‌سـوادی است.

حضـرت آیت‌ا... خامنه‌ای قـرار دادن شـعر در خدمـت معارف توحیدی، فضائـل اهل‌بیت علیهم‌السـلام، انقـلاب و حوادث مهم کشـور و مسـائل گوناگون دنیای اسـلام را موجب اعتلاء شـعر دانسـتند و افزودند: در اشـعار خود زیبایی‌هـای رفتاری ملت همانند حماسـه زیبا و پر شـکوه حضـور فداکارانه مردم در کمك‌رسانی به سیل‌زدگان را به تصویر بکشید، زیرا این کار، شعر شما را به پرچم هویت ملت تبدیل می‌کند.

ایشـان تأکید کردند: حفظ هویت ملت بسـیار مهم است، چرا کـه ملتی کـه هویت خـود را گـم کنـد، در مشـت بیگانـگان آب می‌شود و از بین می‌رود.

حضـرت آیت‌ا... خامنـه‌ای در بخـش دیگـری از سخنانشـان، درخصوص زبان فارسی ابراز نگرانی کردند و گفتند: من راجع به زبان فارسـی حقیقتا نگرانم زیرا در جریان عمومی، زبان فارسی در حال فرسایش است.

رهبر انقـلاب اسـلامی افزودنـد: مـن از صداوسـیما گله‌مندم، بـه دلیـل این‌کـه بـه جـای ترویـج زبـان صحیـح و معیـار و زبان صیقل‌خـورده و درسـت، گاهـی زبـان بی‌هویـت و تعابیـر غلط و بدتـر از همـه تعابیـر خارجـی را ترویـج می‌کنـد. انتشـار فـلان لغـت فرنگـی یـك مترجـم یـا نویسـنده از تلویزیـون، موجـب عمومی‌شـدن آن لغـت و آلـوده شـدن زبـان بـه زوائـد مضـر می‌شود.

ایشـان با تقبیح اسـتفاده فراوان از لغات بیگانه در رسـانه‌ها، خطاب به مسـؤولان تأکیـد کردنـد: نگذارید زبان فارسـی دچار فرسودگی و ویرانی شود.

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای همچنین از ولنگاری زبانی و سـاخت لفظـی بسـیار نـازل برخـی ترانه‌هـا و پخش آنهـا از صداوسـیما در سـریالها نیـز انتقـاد کردنـد و گفتند: زبـان فارسـی قرن‌های متمادی اسـت که عمدتا به‌وسـیله شـاعران بزرگ حفظ شده و این‌گونه سـالم و فصیح به دست ما رسـیده است، بنابراین ما باید حرمت زبان را حفظ کنیم و اجازه نداریم با بی‌مبالاتی آن را به دسـت فلان ترانه‌سـرای بی‌هنر بدهیـم که الفـاظ را خراب کند و بعد نیز با پول بیت‌المال در صداوسیما و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی پخش شود.

در ایـن دیـدار ۲۹ نفـر از شـاعران جوان و پیشکسـوت اشـعار خود را در حضور رهبر انقلاب اسلامی قرائت کردند.

رهبر معظم انقلاب در دیدار سالانه خود با شاعران درباره ولنگاری زبان فارسی و ساخت ترانه‌های نازل هشدار دادند

«دو کاج» امـــروزی

مـهدی پـرنیـان از شـعـرای کـشـورمـان، در شب‌شعـر بـزرگ شـاعـران در محضـر رهبـر انـقـلاب شـعـری خـوانـد. ایـن شـعـر طنـز نـقیضـه‌ای بـر سـروده دو کـاج محمـدجواد محبت بود.

آنطور که فارس نوشـته است رهبر انقلاب پس از اتمام شـعر فرمودنـد: خیلی خوب بـود. طبع شـما به نحوی اسـت که آمادگی دارد و می‌تواند همه لحن‌ها را کنار هم بگذارد.

در کنار خطوط سیم پیام
خارج از ده دو کاج روییدند
سالیان دراز رهگذران
آن دو را چون دو دوست می‌دیدند

بله آن کاج‌ها نه‌تنها دوست
بلکه یك زوج باوفا بودند
کاج و کاجه کنار هم با عشق
غرق خوشبختی و صفا بودند

زد و یك روز در ده مذکور
چیزکی باکلاس آوردند
پیشگامان صنعت آی‌تی
ای دی اس ال پلاس آوردند (ADSL+)

کاج با اتصال اینترنت
گشت آنلاین و با کمی تردید
سرچ کرد و ز سایت جنگل شاپ
یك عدد گوشی ردیف خرید

کاج ما شد رها در اینترنت
سر راهش ندید چاهی را
لایك می‌کرد هر که را می‌دید
فالو می‌کرد هر گیاهی را

خربزه، هندوانه، گوجه، کدو
موز و گیلاس و انبه و کیوی
یا که گل‌های سرخ و زرد هلند
یا علف‌های هرز بولیوی

کاج بی‌جنبه که شعور نداشت
در گروه مزخرفی اد شد
بعد هم رفته رفته پی در پی
عضو کانال‌های بد بد شد

بعد کم‌کم دلش هوایی شد
کاجه از چشم و چار او افتاد
دم به دم هی بهانه می‌آورد
دائم از کاجه می‌گرفت ایراد

تو چرا نیستی شبیه هلو
یا شبیه انار آن سر باغ
عوض سار و قمری و بلبل
شده‌ای منزل دویست کلاغ

برگ‌هایت چقدر سوزنی است
پوستت چون گِل ترك خورده
میوه‌هایت چه خشك و مخروطی ست
شاخه‌هایت دراز و پژمرده

کاج که ول کن قضیه نبود
کاجه را کرده بود بیچاره

کاجه هم زد به سیم آخر و کرد
سیم‌های پیام را پاره

مرکز ارتباط دید آن روز
انتقال پیام ممکن نیست
ده مدیر آمد و دو تکنیسین
تا ببیند عیب کار از چیست

داده شد یك گزارش مبسوط
در دو مصرع خلاصه‌اش این است
که سواد رسانه‌ای دو کاج
طبق آمار سطح پایین است

جلسات عدیده شد تشکیل
با حضور ۱۲ ارگان
همه در قالب سمینارها
در قم و یزد و ساوه و گرگان

موشکافانه بررسی شد و شد
تیم‌های تخصصی ایجاد
تا بیابند راهکاری را
جهت ارتقاء سطح سواد

در نهایت نهاد مربوطه
با تمام توان نمود اقدام
برد بالا به جای سطح سواد
ارتفاع خطوط سیم پیام

تصویر مربوط به شعر دوکاج محمد جواد محبت در کتاب‌های درسی حالا مهدی پرنیان نقیضه‌ای امروزی و طنز بر این شعر سروده که مورد توجه رهبر انقلاب قرار گرفت

ایـرانـی‌ای کـه در آمریکاست و در آنجا زندگی می‌کند، باید غیرت ایـرانـی داشـته باشـد، آن ایرانی که در دبی هم زندگی می‌کند باید غیرت زبان فارسی را داشته باشد. باید همه دست به دست هم دهند. اگر همه این نکاتی را که عرض کردم، رعایت کنیم، تازه می‌توانیم زبان فارسی را نگه داریم.

خب با این اوصاف برای بهبود این موضوع و ارتقـای درجـه فارسـی در جوامع فارسـی‌زبان و مثلا همین کشور هند چه باید کرد؟

انگلیسی‌ها اول نیامدند که انگلیسی را رواج دهند. آنها اول از همه زبان فارسی را تضعیف کردنـد. شعر حافظ را چاپ می‌کردند برای این که نظر مردم را جلب کنند. آنها هـدف دیگری هم داشتند. مسلمانان را درگیر یك سری شـعرهای فارسـی کـردنـد تـا با هنـدوها کـار کنند و مـدارس جدیدی را باب کنند. اعتماد مـردم را جـلـب و ۵۰ سـال صـبـر کـردنـد. مـشـکـل ما چیست؟ ایـن‌کـه می‌خواهیم سریع کار کنیم و سریع و فـــوری هـم به نتیجه برسیم؛ خب ایـن کـار انجام‌شدنی نیست. شما همین الان وضعیت امـروز ما را ببینید! امـروز فـلان موسسه کـه در حـوزه کـنـکـور فعالیت می‌کـنـد دسـت بـه تبلیغات آنچنانی می‌زند و پول هم خرج می‌کند، اما به فکرش نمی‌رسد که سهم خود را ایفا کند و در فضای مجازی، دست به ترویج زبان فارسی بزند. آنها چرا یك تعداد دانشجو از کشورهای دیگـر جـذب نمی‌کنند؟ کـره جنوبی در همه کشورها دپارتمان دارد. همه کشورها دارنـد کـار می‌کنند و محـصـولات‌شـان را بـه فـروش می‌رسانند. همه اینها بودجه می‌خواهد. ما هم باید به شیوه انگلیسی‌ها در هند کمپانی راه بیندازیم.

یعنی از نظر شـما با کمپانی زدن یا دپارتمان زدن در کشـورهای مختلف، می‌توان مشـکلات اشاعه زبان فارسی را حل کرد؟

ببینیـد، برنامه‌های متنوعـی وجود دارد. شـما مثلا اگـر دقت کرده باشـید، بـه هر کشـوری که تجارت می‌رود، زبان فارسـی هم بایـد با آن برود و آنجا نفوذ کند. جاها و کشـورهایی هسـت که تجـارت و اقتصادمـان مـی‌رود امـا زبان فارسـی نمی‌رود در حالی که بستر و زمینه فراهم است. این ماییم که این آب را باید به مقصد برسانیم اما کاری انجـام نمی‌دهیم. مثلا بـه وظایف اتاق بازرگانی توجـه کنیـد! اینها بـه زبان فارسـی ما فکـر نمی‌کننـد. اگـر خـط لولـه گاز ایـران در پاکستان وصل شـود، زبان فارسـی در آنجا هم رشد می‌کند. مهندسان و مترجمان به آنجا رفت و آمد می‌کنند و همین رشد زبان فارسـی در ایـن کشـور همسـایه را رقـم خواهد زد. یك زمانی، رفت‌وآمـد زائرین به سوریه باعث رشـد زبان فارسی در سوریه شـد. همیـن الان چطـور شـده کـه در مشـهد عربـی صحبـت کـردن بعضـی از مردم قوی شده اسـت؟ برای اشاعه زبان فارسی، در هر کشـوری متغیرهایی وجود دارد کـه بـا هـم متفـاوت اسـت. بایـد توجـه داشـت کـه زبـان فارسـی را یـك نفـر نمی‌تواند ترویج دهد و مجموعـه کارها باید انجام شود.

چند فنجان شعر

یوسفعلی میرشکاك

واپسین موقف معراج حقیقت زهراست
سر توحید در آیینه غیرت زهراست
روح آدم، شرف خاتم، دردانه غیب
ذات عصمت، نفس صبح قیامت زهراست
مصدر واجب و ممکن ز ازل تا به ابد
باده وحدت و خم خانه ی کثرت زهراست
خشم و خشنودی حق، غایت پاداش و جزا
رایت رحمت و تمهید شفاعت زهراست
به عبادت نرسد عادت دینداری ما
گر ندانیم که معیار عبادت زهراست
منشأ بود و نبود، آینه‌پرداز وجود
وحدت غیب و شهودِ احدیت زهراست
در نمازی که وضویش بود از خون جگر
قبله باطن اربابِ طریقت زهراست
نه همین ام ابیهاست به تقدیم وجود
شخص روح‌القدس و شأن ولایت زهراست
جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه
سرّ سرمستی هفتاد و دو ملت زهراست
غایت سیر وجود است رسیدن به علی
غایت سیر علی هم چو بدایت زهراست

عاطفه جعفری/ شاعر مطرح افغانستان

کوچه هامـان پـراز سـیاهی بـود، شـهررا از عزادرآوردند
چشـم‌های سـتاره‌ها خندید، ماه را سمت دیگر آوردند
شاخه‌هایی که سـرفرازانند، میوه‌هایی که جلوه باغند
مادران مثل ام لیلایند،که پسر مثل اکبر آوردند
روی تابوت‌هایشـان بسـتند، پرچمی که به رنگ خورشید است
فاطمیـون فداییـان حـرم، سـرورانی کـه سـر برآوردند
قصه‌هـا را یکـی یکـی خواندنـد، آخرماجـرا سـفر کردند
عاشـقی هـم برایشـان کـم بـود، عشـق بردنـد و باور آوردند
عصر یك جمعـه بهاری بود، همه در انتظارشـان بودیم
بادهای بهاری از هرباغ، لاله‌هایی معطر آوردند

اکرم هاشمی سجزی

نشست روی زمین، پهن کرد دریا را
کشید پارچه را، متر کرد پهنا را
درست از وسط آب، قایقی رد شد
شبیه قیچی مادر، شکافت دریا را
صدای تَق‌تَ‌تَق... تیر بود می‌بارید
صدای تِق‌تِ‌تِق... دوخت چتر خرما را
کنار قایق بابا که خورد خمپاره
بلند کرد و تکان داد خُرده‌نخ‌ها را
فرو که رفت در انگشت مادرم سوزن
کسی دقیق نشانه گرفت بابا را
وَآب از کف قایق سریع بالا رفت
و تند مادر هی کوك زد همان‌جا را
بریده شد نخ و از توی قاب بابا دید
میان دامن خود چرخ می‌زند سارا

حیدر منصوری

به خلیج همیشه فارس
صبور مثل درختان، پر از بهار بمان
خلیج‌فارس! سرفراز و استوار بمان
بخند، موج به موج از کرانه‌ها برخیز
برقص و هلهله کن، مست و بی‌قرار بمان
اسیر سایه این ابرهای تیره مشو
به روشنایی فردا، امیدوار بمان
دهان هلهله ناخدای بندر باش
طنین شروه جاشوی این دیار بمان
بمان برای جهان سربلند و پابرجا
بمان، ترانه مغرور روزگار بمان
میان نقشه جغرافیای سینه ما
خلیج‌فارس بمان و پرافتخار بمان

حسین دهلوی

هرچند این که سخت شکستی دلِ من است
غمگین مشو! که شیشه برای شکستن است
من دوستی به جز تو ندارم؛ قسم به عشق
هر کس که غیر از این به تو گفته‌ست، دشـمن است
چشمان من مسیرِ تو را گم نمی‌کنند
فانوس اشك‌های من از بس که روشن است!
هر کس که دامنِ مژه‌اش تر نمی‌شود
باید یقین کنیم که آلوده‌دامن است
از دیدنم دوباره پریشان شدی؟ ببخش!
چون خوابِ بد، سزای من «از یاد بردن» است